

پروفسور م. س. ایوانوف
استاد دانشگاه مسکو

ماہنامہ وحید

علمی، ادبی، اتحادی، اجتماعی

نکاتی چند درباره

مراحل اساسی تاریخ ایران
در سده های گهن و وسطی

این گزارش بمنزله کوششی است برای تقسیم تاریخ ایران و دولت آن به ادوار معین در عهد گهن و قرون وسطی.

بعقیده ما، عامل عمده ای، که در ادوار اساسی تاریخ تمام نوع بشر و ملتها و کشورهای جداگانه را تعیین مینماید، عبارتست از تبدیل پیگیر نظام اجتماعی - اقتصادی به تیمیت از بسط و ترقی نیروهای تولیدی. مطابق این اصل ما اعصار اساسی آنها را جدا میکنیم -

ادواری در تاریخ ایران در عهد گهن و قرون وسطی:

۱- قدیمی ترین دوره، که سازمان اجتماعی ابتدائی از خصوصیات آن بوده است (از آغاز تمدن بشری در سرزمین ایران سده های ۸-۷ قبل از میلاد)

۲- دولت طبقاتی، که مناسبات برده داری در آن نقش مهم را داشته است (از سده ۶ قبل از میلاد تا سده ۳ بعد از میلاد)

۳- تجزیه مناسبات برده داری و بوجود آمدن و ترکیب یافتن مناسبات بدوی فئودالی (سده های ۴-۷ بعد از میلاد)

۴- عصر حکمفرمایی سازمان فئودالی (سده های ۷-۱۸). در حدود این عصر میتوان ادوار زیر را جداگانه ذکر نمود:

الف- دوره فئودالیسم بسط و ترقی یافته (سده های ۱۰-۱۳)

ب- دوران فئودالی خرد و موجزا از یکدیگر (سده های ۱۴-۱۵)

پ- دوره دولت مرکزی فئودالی (سده ۱۶- نیمه اول سده ۱۷)

ت- دوره انحطاط جامعه فئودالی (نیمه دوم سده ۱۷- سده ۱۸)

به وصف مختصر خصوصیات اساسی ادوار عمده بسط و ترقی جامعه و دولت ایران

در اعمار مورد نظر بپردازیم.

ایران - کشور قدیمی ترین تمدن و فرهنگ بشر است، که تمدن مذکور در طول هزاران سال قبل از میلاد و عصر مادر سرزمین این کشور توسعه و ترقی مییافته است. از قدیمی ترین آثار انسان در سرزمین ایران اقامتگاه دوران اواخر پالئولیت سغلی در ناحیه بیستون است. در ناحیه غار کمر بند نزدیک به شهر در ساحل جنوبی دریای خزر همچنین اقامتگاههای شکارچیان مزولیتیک و نئولیتیک کشف شده، که با تیر و کمان مسلح بوده اند و مربوط است به هزاره های ۸-۱۱ قبل از زمان ما. حتی در هزاره های ۵-۴ قبل از زمان ما در ایران بخصوص در قسمتهای جنوبی و غربی آن زراعت با استفاده از آب رودها و انهار کوهستانی شروع به توسعه و ترقی کرده است. در اواخر هزاره ۲ و اوایل هزاره اول قبل از میلاد پیشه‌وری از کشاورزی جدا شده است.

حفریات ژ. دو-مرگان، ک. گیرشمان و دیگران در خوزستان امکان میدهد چنین استنتاج بشود که در آخر هزاره ۴- آغاز هزاره سوم قبل از میلاد در جلگه رود کارون تمدن طبقاتی و قدیمی ترین تشکیلات دولتی در ایران بنام ایلام بوجود آمده که مرکز آن شهر شوش بوده است. در ایلام، قبل از سایر قسمت‌های ایران مناسبات برده‌داری شروع به ترکیب یافتن نمود. مناسبات مذکور با مناسبات خانوادگی و اجتماعی ابتدایی، که در قسمت اعظم سرزمین ایران حکم فرما بود، توأم میگردد.

در اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول قبل از میلاد قبایل هند و اروپایی گروه ایرانی به ایران نفوذ مییابند که بمعقیده برخی دانشمندان (ا. می، ای. م. دیاکنوف و دیگران) از آسیای مرکزی از طریق آسیای میانه آمده اند ولی بمعقیده دانشمندان دیگر (ر. گیرشمان، ا. آ. گرانوفسکی و دیگران) از طریق ماوراء قفقاز راه یافته است.

در سده قبل از میلاد در شمال غربی ایران دولت ماد تشکیل یافت، که پایتخت آن شهر اکباتان بود و در ابتدا بمنزله کنفدراسیون طوایف مادی ایرانی زبان بود. در اواخر سده ۷ قبل از میلاد ماداها دولت بزرگ آشوری‌ها را نابود نمودند. ممالک اورارتو و ماننو، و همچنین قسمت اعظم فلات ایران و از آنجمله نواحی جنوب غربی ایران - ایالت پرسپدار، که طوایف ایرانی در آنجا سکنی داشتند، مطیع خود کردند.

خاصیت سازمان اجتماعی مملکت مادها عبارت از تجزیه مناسبات اجتماعی ابتدایی و توسعه برده‌داری، در حالیکه این جریان در نواحی اساسی کشاورزی، در شمال غربی و جنوب غربی کشور - در ماد و پرسپدار با سرعت بیشتر پیشرفت میکرد. در نواحی شرقی ایران، که مال‌داری کوچ نشینی بطریقی وسیع معمول بود، مناسبات اجتماعی ابتدایی و رسوم پدشاهی بسیار قوی و پایدار بود.

در اواسط سده ۶ قبل از میلاد در نتیجه شورش مسوقیت آمیز قبایل ایرانی تحت ریاست هخامنشیان علیه مملکت ماد دولت بزرگ هخامنشیان تشکیل یافت که دو هزار و پانصدمین سال تأسیس آن در ایران برگزار میشود.

کوروش پایه گذار دولت هخامنشیان و کمبوجیه فرزند و جانشین وی لیدی و شهرهای یونانی آسیای صغیر و تمام آسیای صغیر - بابل - سوریه و فلسطین مصر و قسمتی از آسیای میانه را تصرف کردند، داریوش - جانشین کمبوجیه هم جلگه رودهندرا نیز مطیع خود نمود.

دولت هخامنشیان در آن زمان بزرگترین دولت جهان بود. ایران - آتروباتان - ارمنستان - قسمت جنوبی آسیای میانه - جلگه رودهند - تمام آسیای صغیر - بابل - سوریه - فلسطین - عربستان - مصر - سیرناطیک - جزایر دریای اژه - تراکیه - قسمت شمال شرقی شبه جزیره بالکان و مقدونیه جزو قایم آن دولت بود.

در زمان خود دولت هخامنشیان دولت پیشروی بود. در سده های ۲-۹ قبل از میلاد مناسبات برده داری در ماد و پرسیدا و سایر نواحی اساسی کشاورزی ایران گسترش یافت.

شاهان هخامنشی و رجال بزرگ دریاری آنان دارای واحه های بزرگ اقتصادی بر مبنای بهره برداری بودند، که در آنها بردگان (گاردایا کورتاش) کار میکردند.

همردیف با این مناسبات در نواحی مرکزی و شرقی، مخصوصاً در نواحی مال داری کوچ نشینی، بقایای مناسبات اجتماعی ابتدایی کاملاً محفوظ بود. هخامنشیان قصد داشتند تمرکز قدرت را در مملکت خود تأمین نمایند و بدین منظور اقدام بساختن راههای زیاد میکردند. مملکت به بیست ایالت بزرگ قسمت میشد، که نایب السلطنه ها، ساتراپ ها، که فرمانروایان مطلق و نامحدود سکنه آن ایالات بودند آنها را اداره میکردند. لیکن قوای نظامی تابع سردارانی بودند که استقلال داشتند و تحت امر نایب السلطنه ها نبودند. بقایای یادگارهای باعظمت معماری درباری و کاخ سازی در تخت جمشید و بازار گادومچنین مصنوعات پیشه های هنری و بدیع، که تا کنون حفظ شده، گواه سطح عالی تمدن و فرهنگ آن زمان است، که از خصوصیات مملکت هخامنشیان بوده است.

در نتیجه کشور گشائی اسکندر مقدونی در سال ۳۳۰ قبل از میلاد عمر دولت هخامنشیان پایان یافت و بعد از آن از سال ۳۱۲ قبل از میلاد ایران جزو مملکت هلنی سلو کیده ها شد.

لیکن دیگر در سال ۲۴۷ قبل از میلاد در نتیجه نهضت ضد یونانی در شمال شرقی کشور دولت پارت ها تحت ریاست دودمان اشکانیان بوجود آمد، که پس از آن تا اواسط سده دوم قبل از میلاد حکومت خود را بر تمام سرزمین ایران کنونی و جلگه رودهای دجله و فرات گسترش داد. دولت پارت ها تا اوایل سده سوم بعد از میلاد پایدار بود.

خاصیت سازمان اجتماعی - اقتصادی مملکت پارت ها عبارت بود از وجود مناسبات برده داری، وجود جوامع دیه نشین، و همچنین سازمان خانوادگی - پدرشاهی در میان کوچ نشینان. در مملکت پارت ها تجارت، پیشه ها و شهر زیاد توسعه و ترقی یافتند؛ نسا، انطاکیه، مرغیان، تیسفون (پایتخت اشکانیان)، شوش، اکباتان و غیره. هنرها، معماری و پیکر سازی به سطح عالی ترقی رسید. نقش زردشتی گری بعنوان مذهب رسمی مملکت اهمیت و قدرت مییابد. زبان پارتی ایرانی وسطی - پهلوی زبان رسمی دولتی شده است.

جنگهای فرسوده کننده چندین قرنی باامپراتوری روم ، که از اواسط سده قبل از میلاد اشکانیان برای استیلا یافتن برراههای تجارتهی بین مشرق و مغرب بآن میادرت کرده بودند ، منجر به تضعیف دولت پارت هاشد . همزمان با آن جریان تجزیه مناسبات برده داری واقع میشد و این امر بشکل انتقال تدریجی بردگان به زمینهای مزروعی و به مالکیت دهقانان آزاد عضو جامعه دبه عملی میگردد .

در سال ۲۲۴ بعد از میلاد اردشیر از خاندان ملوک پرسیدا (فارسی) ، که اشراف ایران و روحانیان متنفذ زردشتی از او پشتیبانی میکردند ، علیه پادشاه پارت قیام نمود . او تقریباً تمام سرزمینهای جزو مملکت پارت را مطیع خود نمود و دولت ساسانیان را تأسیس کرد ، که تا اواسط سده ۷ باقی بود . جریان تجزیه و زوال مناسبات برده داری در این دوره با سرعت و شدت بیشتر پیشرفت میکند و مناسبات بدوی فئودالی ترکیب مییابد . اشراف بزرگ نظامی-اداری و مقامات بالای جوامع مبدل به اشراف فئودال میگرددند و افراد ساده جوامع به تابعیت آنان درمی آیند . جریان انتقال بردگان هم به زمینهای زراعتی شدت یافته است . روحانیان زردشتی دارای نفوذ فوق العاده میشوند . پیشه های مختلف و تجارت در مملکت ساسانیان به سطح عالی ترقی رسیده ، تمدن و فرهنگ غنی و علوم و ادبیات و هنرها هم توسعه و ترقی مییافت . در اواخر سده ۵ - اوایل سده ۶ نهضت ملی نیرومند مزدکیان واقع شد . پس از آنکه خسرو اول انوشیروان اقدام به اصلاحات نظامی و مالیاتی دیگر نمود ، که منظور از آنها تحکیم قدرت مرکزی شاهی بود ، مملکت ساسانیان به دعای رونق و شکفتگی رسید . ساسانیان سوریه ، فلسطین ، عربستان جنوبی (یمن) ، و همچنین مدتی مصر و ماوراء قفقاز را مطیع خود کردند . در جنگهایی ، که با بیزانس (روم شرقی) ادامه داشت قوای ساسانیان تا تنگه بوسفور رسیدند . لیکن جنگهای ویران کننده با بیزانس در سده ۶ - نیمه اول سده ۷ و مالیاتهای فوق العاده برای احتیاجات جنگی و شدت یافتن تمایلات تجزیه طلبانه فئودالی و مبارزه برای قدرت بین گروههای اشراف طبقه حاکمه دولت ساسانیان را از لحاظ اقتصادی و سیاسی ضعیف کرد و شرایط سقوط آنرا فراهم ساخت .

در اواسط سده ۷ دولت ساسانیان در زیر ضربات کشورگشایی اعراب سقوط کرد . ایران استقلال خود را از دست داد و جزو خلافت امویان و بعد هم عباسیان شد . سلطه بیگانگان و افزایش بهره کشی فئودال ها در سده های ۷-۱۰ میلادی کراراً موجب شورهای ملت علیه خلافت میشد . تقریباً تمام آن شورها در ایران و کشورهای مجاور تحت لوای مذهبی خوارج و شیعه ، یا در زیر پرچم خرم دینان جریان مییافتند (شورش ابو مسلم « علم های سرخ » در گرگان ، خرم دینان تحت ریاست بابک و هکذا) . نهضت های ملی و تشدید جریان فئودالی شدن و افزایش نفوذ فئودال های ایران قدرت خلافت را در ایران زایل نمود و در سده های ۹-۱۰ منجر به تشکیل یک سلسله امارت های موروثی محلی گردید ، که فقط اسماً تابع خلافت بودند : طاهریان (۸۲۱-۸۷۳) در خراسان ، صفاریان در سیستان (۸۶۱-۹۰۰) ، پس از آنهم در خراسان (۸۷۳-۹۰۰) ، از سال ۹۰۰ خراسان جزو مملکت سامانیان (۸۳۱-۹۹۹) شد ، آل زیار (۹۲۸-۱۰۴۲) در گرگان ، آل بویه (۹۳۵-۱۰۵۵) در ایران غربی و بین النهرین . با تشکیل دولت آل بویه سلطه خلافت در ایران پایان یافت .

در این عصر جامعه فئودالی توسعه و ترقی یافته و خرد و مجزاشدن فئودالی (سده های ۱۰-۱۵) ایران کراراً مورد تهاجم و تصرف بیگانگان واقع و جزو ممالک متصرفی فاتحین شده است: ترکان سلجوقی (سده های ۱۱-۱۲)، مغولان (سده ۱۳)، امیر تیمور (سده ۱۴) ترکمانان قره قویونلو و آق قویونلو (سده ۱۵). در برخی ادوار این عصر فئودالی دولتهای فئودالی محلی تشکیل میگرددیده است. مثلاً، در سده ۱۴ پس از تجزیه مملکت هلاکوئیان، مغولان تأسیس نموده بودند، چند دولت در سرزمین ایران تشکیل یافت، که بزرگترین آنها دولتهای چوپانیان، جلایریان و آل مظفر بوده است. با وجود این شرایط و اوضاع نامساعد و تصرفات خارجیان و منازعات داخلی فئودالی و تجزیه، ملت‌های ایران و کشورهای مجاور آن در آن عصر فئودالی با زحمت و نبوغ خلاقه خود در رشته کشاورزی و آبیاری و تولیدات پیشه‌وری و فرهنگ به موفقیت‌های بزرگی نایل گردیدند. مخصوصاً در سده ۱۰ و نیمه اول سده ۱۱، پس از برانداختن سلطه خلافت، و همچنین در سده ۱۲ تا زمان تهاجم و تصرف مغولان از این حیث به پیشرفت‌های عظیم نایل شده بودند و در آن زمان ترقی اقتصادی بی‌مانند در عصر فئودالی، توسعه و ترقی کشاورزی، ساختن بناهای مخصوص آبیاری (مثلاً، سد بزرگ بند امیر روی رود کر در فارس)، ترقی تولیدات پیشه‌وری، توسعه و ترقی شهرها (نیشابور، ری، اصفهان، شیراز و غیره)، رونق و شکفتگی بیسابقه ادبیات منظوم (شاهنامه فردوسی و غیره) و علوم (ابن سینا - بیرونی و دیگران) در کشور مشاهده میشد.

هجوم مغولان (سده ۱۳)، و همچنین غلبه امیر تیمور (سده ۱۴) ایران را دچار خرابیهای عظیم نموده و عواقب نامطلوبی برای اقتصاد آن داشت. لیکن در همان دوران عصر فئودالی هم (سده های ۱۲-۱۵) نمایندگان ملل ایران و کشورهای مجاور سهم عظیمی وارد فرهنگ و علوم و ادبیات منظوم نمودند (عمر خیام ریاضی‌دان و شاعر مشهور، خواجه نصیرالدین طوسی ریاضی‌دان و منجم، ابوالفضل بیهقی مورخ، رشیدالدین، جوینی، حمدالله قزوینی، و صاف، حافظ ابرو، عبدالرزاق سمرقندی، میرخوند، سعدی، جلال‌الدین رومی، حافظ، جامی و شاعران دیگر). در همان دوره هم یادگارهای معماری بسیار عالی از لحاظ هنری بوجود آمده است (مسجد - مقبره در سلطانیه، مسجد کبود در تبریز، مسجد گوهرشاد در مشهد و امثال آن). هنر میتیاتور (مکتب هرات و بهزاد) قالی بافی، کاشی سازی هنری بعد از اعلای مهارت رسیده است.

در اوایل سده ۱۶ دولت متمرکز فئودالی صفویه تحت لوای تشیع بوجود آمده که در اوخر سده ۱۶ - اوایل سده ۱۷، در زمان شاه عباس اول به منتهی درجه قدرت و توانایی رسید.

در اوایل سده ۱۷، گذشته از سرزمین کنونی ایران، در شمال غربی و مغرب آذربایجان و ارمنستان و گرجستان شرقی و همچنین عراق جز و مملکت صفویه بود. در مشرق هم صفویه قسمت جنوبی آسیای میانه را و در جنوب رود جیحون و ایالت‌های هرات و قندهار را تابع و خراج‌گزار خود نمودند. در جنوب صفویه پر تعالی‌ها را از ساحل خلیج فارس و جزیره هرمز بیرون راندند و حکومت خود را بر جزیره مذکور و برخی جزایر دیگر در خلیج فارس مستقر نمودند. اصلاحات نظامی و سایر اصلاحاتی که شاه عباس اول عملی نمود منجر به تثبیت و تقویت حکومت مرکزی شد.

در دوره رونق و شکفتگی در مملکت صفویان (اوایل و اواسط سده ۱۶) ترقی مشهود کشاورزی، ساختن راهها و مجاری، توسعه و ترقی پیشه‌ها، تجارت، مخصوصاً تجارت خارجی و شهرها و تاحدی توسعه بازار داخلی مخصوصاً در نواحی مرکزی و غربی و شمالی کشور مشاهده میشد. معماری (بخصوص در اصفهان)، هنر مینیاتور سازی و خوشنویسی و همچنین تهیه قالی‌ها و پارچه‌های زیبای هنری بعد از اعلای ترقی رسیده بود.

سیاست تمرکز امور کشور و متحد کردن تمام ایالات ایران تحت حکومت صوفیه موجب پدید آمدن بعضی مقدمات برای تشکیل وحدت اقتصادی و فرهنگی کشور گردید. ولی با اینوصف ایالات فئودالی در آن زمان بسیار شدید و قوی بود و دولت صفویه بمنزله اتحادیه نظامی-سیاسی بعضی ایالات بود، که از لحاظ اقتصادی هنوز هم خیلی کم با هم بستگی و پیوند داشتند، در نواحی اطراف و کناف کشور هم ملل غیر ایرانی ساکن بودند.

از نیمه دوم سده ۱۷ ایران وارد دوره انحطاط اقتصادی و سیاسی و فرهنگی جامعه فئودالی شده است. این امر در تشدید بهره‌کشی از دهقانان، خراب شدن دهات، تقلیل تولیدات جنسی و تجارت، در حدت اختلافات و تضاد های اجتماعی، شورشهای دهقانان و شهرنشینان، و همچنین قیام‌های ملل تابعه بر ضد صفویان ظاهر شده است. اختلافات و مبارزه برای کسب قدرت بین گروه‌های مختلف اشراف فئودال و روحانیون، متفرد شیمه هم حدت و شدت یافت. شورش طوایف غلزائی و تهاجم آنان به ایران در سال ۱۷۲۲ بدولت صفویان و حکومت آنان پایان داد. سلطه قلیل‌المدت آنان موجب جنبش وسیع‌ملی گردید. پس از بیرون راندن فاتحین مزبور و قشون سلطان عثمانی، که بایران هجوم آورده بودند در سال ۱۷۱۶ نادر افشار بعنوان شاه ایران تعیین گردید. مملکت عظیم فئودالی که نادر در نتیجه جنگها وارد و کوشی های متعدد بقصد تصرف و کشور گشائی بوجود آورده بود، و از مغرب به مشرق، از بین النهرین تا رود هند، و از شمال بجنوب، از داغستان و بخارا و خوارزم تا خلیج فارس و منجمله جزایر بحرین گسترش یافته بود، زیاد دوام نیافت. پس از قتل نادر شاه بوسیله خوانین توطئه‌گر در سال ۱۷۴۷، که با افزایش نارضائی عمومی از جنگهای دائمی، که کشور را به فقر سوق میداد، و تعقیب و تنبیه‌های بیرحمانه نسبت به قشرهای وسیع اهالی ارتباط و بستگی داشت، مملکت وی تجزیه شد. پس از آن تا آخر سده ۱۸ منازعات داخلی فئودالی آغاز گردید، با استثنای دوران حکومت کریمخان زند (سالهای ۱۷۶۰-۱۷۷۹)، که ایران از منازعات و دعواهای بنیان‌کن فئودالها تا حدی آسایش یافت.

در اواخر سده ۱۸ پس از مبارزه طولانی بین جانشینان کریمخان زند و خوانین قاجار در ایران حکومت خاندان جدید - شاهان قاجار برقرار و تثبیت گردید و ایران وارد مرحله تازه تاریخ خود شد.

بنظر ما، ادوار اساسی تاریخ مملکت ایران در عهد کهن و در قرون وسطی بدین قرار است. درخاتمه من میخواهم از طرف مورخان شوروی آرزوی کامیابی و موفقیت‌های بزرگ را برای همکاران ایرانی در نگارش تاریخ اساسی ایران که در نظر دارند، ابلاغ نمایم. اگر ضرورت اقتضا کند، ایران‌شناسان شوروی آماده‌اند بر اساس همکاری دوستانه همه‌نوع یاری و کمک در این امر مهم علمی به مورخان ایرانی بنمایند.